

دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟

رمز عدد چهل، فلسفه اربعین امام حسین (ع)، جزییات بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا، نقد و ارزیابی میرزا حسین نوری از رمز اربعین و نقل شهید قاضی طباطبائی از اربعین موضوعاتی است که شما در مقاله زیر به قلم رسول جعفریان می‌خوانید:

اعتبار اربعین امام حسین (ع)

اعتبار اربعین امام حسین (ع) از قدیم الایام میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به امام حسین (ع) شناخته می‌شد. کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی که حاصل گزینش دقیق و انتخاب معقول شیخ طوسی از روایات فراوان درباره تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، ذیل ماه «صفر» می‌نویسد: نخستین روز این ماه (از سال ۱۲۱)، روز کشته شدن زید بن علی بن الحسین است.

روز سوم این ماه از سال ۶۴ روزی است که مسلم بن عقبه پرده کعبه را آتش زد و به دیوارهای آن سنگ‌پرتاب نمود در حالی که به نمایندگی از یزید با عبدالله بن زبیر در نبرد بود.

روز ۲۰ صفر - یعنی اربعین - زمانی است که حرم امام حسین (ع) یعنی کاروان اسرا، از شام به مدینه مراجعت کردند؛ و روزی است که جابر بن عبدالله بن حرام انصاری، صحابی رسول خدا (ص)، از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین (ع) بشتابد و او نخستین کسی است از مردمان که قبر آن حضرت را زیارت کرد.

در این روز زیارت امام حسین (ع) مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است که از امام عسکری (ع) روایت شده که فرمود: علامات مؤمن پنج نشانه است: خواندن ۵۱ رکعت نماز در شبانه‌روز - نمازهای واجب و نافله و نماز شب - به دست کردن انگشتری در دست راست، برآمدن پیشانی از سجده و بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز و زیارت امام حسین (ع) در روز اربعین شیخ طوسی سپس متن زیارت اربعین را با سند به نقل از حضرت صادق (ع) آورده است: «السلام علی ولی الله و حبیبه، السلام علی خلیل الله ونجیبه، السلام علی صفی الله و ابن صفیه...»

این مطلبی است که شیخ طوسی، عالم فرهیخته و معتبر و معقول شیعه در قرن پنجم درباره اربعین آورده است. طبعاً بر اساس اعتباری که این روز میان شیعیان داشته است، از همان آغاز که تاریخش معلوم نیست، شیعیان به حرمت آن، زیارت اربعین می‌خوانده‌اند و اگر می‌توانسته‌اند مانند جابر بر مزار امام حسین (ع) گرد آمده و آن امام را زیارت می‌کردند. این سنت تا به امروز در عراق با قوت برپاست و شاهدیم که میلیون‌ها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر مزار امام حسین (ع) جمع می‌شوند.

در اینجا و در ارتباط با اربعین چند نکته را باید توضیح داد.

1. عدد چهل

نخستین مسئله‌ای که در ارتباط با «اربعین» جلب توجه می‌کند، تعبیر اربعین در متون دینی است. ابتدا باید نکته‌ای را به‌عنوان مقدمه یادآور شویم:

اصولاً باید توجه داشت که در نگرش صحیح دینی، اعداد نقش خاصی به لحاظ عدد بودن، در القای معنا و منظوری خاص ندارند؛ به این صورت که کسی نمی‌تواند به‌صرف اینکه در فلان مورد یا موارد، عدد هفت یا دوازده یا چهل یا هفتاد به کار رفته، استنباط و استنتاج خاصی داشته باشد. این یادآوری، از آن روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، به‌ویژه آن‌ها که تمایلات «باطنی‌گری» داشته یا دارند و گاه و بیگاه خود را به شیعه نیز منسوب می‌کرده‌اند و نیز برخی از شبه فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای درباره اعداد یا نوع حروف بوده و هستند.

در واقع، بسیاری از اعدادی که در نقل‌های دینی آمده، می‌تواند بر اساس یک محاسبه الهی باشد، اما اینکه این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون یک مستند دینی می‌توان از آن در سایر موارد استفاده کرد، قابل قبول نیست. به‌عنوان نمونه، در ده‌ها مورد در کتاب‌های دعا، عدد صد بکار رفته که فلان ذکر را صد مرتبه بگویید، اما این دلیل بر تقدس عدد صد به‌عنوان صد نمی‌شود. همین‌طور سایر عددها. البته ناخواسته برای مردم عادی، برخی از این اعداد طی روزگاران، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوء استفاده‌هایی هم از آن‌ها می‌شود.

تنها چیزی که درباره برخی از این اعداد می‌شود گفت آن است که آن اعداد معین نشانه کثرت است. به‌عنوان مثال، درباره هفت چنین اظهار نظری شده است. بیش از این هرچه گفته شود، نمی‌توان به‌عنوان یک استدلال به آن نظر کرد. مرحوم اربلی، از علمای بزرگ امامیه، در کتاب کشف الغمه فی معرفه الائمه در برابر کسانی که به تقدس عدد دوازده و بروج دوازده‌گانه برای اثبات امامت ائمه اطهار (ع) استناد کرده‌اند، اظهار می‌دارد، این مسئله نمی‌تواند چیزی را ثابت کند؛ چرا که اگر چنین باشد، اسماعیلیان یا هفت امامی‌ها، می‌توانند ده‌ها شاهد - مثل هفت آسمان - ارائه دهند که عدد هفت مقدس است، کما اینکه این کار را کرده‌اند.

عدد «اربعین» در متون دینی

یکی از تعبیرهای رایج عددی، تعبیر اربعین است که در بسیاری از موارد به کار رفته است. یک نمونه آنکه سنّ رسول خدا (ص) در زمان مبعوث شدن، چهل بوده است. گفته شده که عدد چهل در سنّ انسان‌ها، نشانه بلوغ و رشد فکری است. گفتنی است که برخی از انبیاء در سنین کودکی به نبوت رسیده‌اند. از ابن عباس (گویا به نقل از پیامبر (ص)) نقل شده که اگر کسی چهل ساله شد و خیرش بر شرش غلبه نکرد، آماده رفتن به جهنم باشد. در نقلی آمده است که، مردمان طالب دنیایند تا چهل سالشان شود. پس از آن در پی آخرت خواهند رفت. [۱]

در قرآن آمده است «میقات» موسی با پروردگارش در طی چهل روز حاصل شده است. در نقل است که، حضرت آدم چهل شبانه روز بر روی کوه صفا در حال سجده بود [۲]. درباره بنی‌اسرائیل هم آمده که برای استجاب دعا خود چهل شبانه روز ناله و ضجه می‌کردند. [۳] در نقلی آمده است که اگر کسی چهل روز خالص برای خدا باشد، خداوند او را در دنیا زاهد کرده و راه و چاه زندگی را به او می‌آموزد و حکمت را در قلب و زبانش جاری می‌کند. بدین مضمون روایات فراوانی وجود دارد. چله نشینی صوفیان هم درست یا غلط، از

همین بابت بوده است. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار در این باره که برگرفتن چهل نشینی از حدیث مزبور نادرست است، به تفصیل سخن گفته است.

اعتبار حفظ چهل حدیث که در روایات فراوان دیگر آمده، سبب تألیف صدها اثر با عنوان اربعین در انتخاب چهل حدیث و شرح و بسط آن‌ها شده است. در این نقل‌ها آمده است که اگر کسی از امت من، چهل حدیث حفظ کند که در امر دینش از آن‌ها بهره برد، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد. در نقل دیگری آمده است که امیرمؤمنان (ع) فرمودند: اگر چهل مرد با من بیعت می‌کردند، در برابر دشمنانم می‌ایستادم. [۴]

مرحوم کفعمی نوشته است: زمین از یک قطب، چهار نفر از اوتاد و چهل نفر از ابدال و هفتاد نفر نجیب، هیچ‌گاه خالی نمی‌شود. [۵] درباره نطفه هم تصور بر این بوده که بعد از چهل روز غلقه می‌شود. همین عدد در تحولات بعدی علقه به مضعه تا تولد در نقل‌های کهن بکار رفته است، گویی که عدد چهل مبدأ یک تحول دانسته شده است.

در روایت است که کسی که شراب‌خواری کند، نمازش تا چهل روز قبول نمی‌شود؛ و نیز در روایت است که کسی که چهل روز گوشت نخورد، خلقتش تند می‌شود. نیز در روایت است که کسی که چهل روز طعام حلال بخورد، خداوند قبلش را نورانی می‌کند. نیز رسول خدا (ص) فرمود: کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل روز دعایش مستجاب نمی‌شود. [۶]

این‌ها نمونه‌ای از نقل‌هایی بود که عدد اربعین در آن‌ها به کار رفته است.

2. اربعین امام حسین (ع)

باید دید در کهن‌ترین متون مذهبی ما، از «اربعین» چگونه یاد شده است. به عبارت دیگر دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟ چنان که در آغاز گذشت، مهم‌ترین نکته درباره اربعین، روایت امام عسکری (ع) است. حضرت در روایتی که در منابع مختلف از ایشان نقل شده فرموده‌اند: نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: ۱ - خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (۱۷ رکعت نماز واجب + ۱۱ نماز شب + ۲۳ نوافل) ۲ - زیارت اربعین ۳ - انگشتری در دست راست ۴ - وجود آثار سجده بر پیشانی ۵ - بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز. این حدیث تنها مدرک معتبری است که جدای از خود زیارت اربعین که در منابع دعایی آمده، به اربعین امام حسین (ع) و بزرگداشت آن روز تصریح کرده است.

اما اینکه منشأ اربعین چیست، باید گفت، در منابع به این روز به دو اعتبار نگریسته شده است.

نخست روزی که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند.

دوم روزی که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر خدا (ص) از مدینه به کربلا وارد شد تا قبر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را زیارت کند. شیخ مفید (م ۴۱۳) در «مسار الشیعه» که در ایام موالید و وفیات ائمه اطهار (ع) است، اشاره به روز اربعین کرده و نوشته است: این روزی است که حرم امام حسین (ع)، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. نیز روزی است که جابر بن عبدالله برای زیارت امام حسین (ع) وارد کربلا شد.

کهن‌ترین کتاب دعایی مفصل موجود، کتاب «مصباح‌المتهجد» شیخ طوسی از شاگردان شیخ مفید است که ایشان هم همین مطلب را آورده است. شیخ طوسی پس از یاد از اینکه روز نخست ماه صفر روز شهادت زید بن علی بن الحسین (ع) و روز سوم ماه صفر، روز آتش زدن کعبه توسط سپاه شام در سال ۶۴ هجری است، می‌نویسد: بیستم ماه صفر (چهل روز پس از حادثه کربلا) روزی است که حرم سید ما ابا عبدالله الحسین (ع) از شام به مدینه مراجعت کرد و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا (ص) از مدینه وارد کربلا شد تا قبر حضرت را زیارت کند. او نخستین کس از مردمان بود که امام حسین (ع) را زیارت کرد. در چنین روزی زیارت آن حضرت مستحب است و آن زیارت اربعین است. [۷] در همان‌جا آمده است که وقت خواندن زیارت اربعین، هنگامی است که روز بالا آمده است.

در کتاب «نزهه الزاهد» هم که در قرن ششم هجری تألیف شده، آمده: در بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین از شام به مدینه آمدند. [۸] همین طور در ترجمه فارسی فتوح ابن اعثم [۹] و کتاب مصباح کفعمی که از متون دعایی بسیار مهم قرن نهم هجری است این مطلب آمده است. برخی استظهار کرده‌اند که عبارت شیخ مفید و شیخ طوسی، بر آن است که روز اربعین، روزی است که اسرا از شام به مقصد مدینه خارج شدند نه آنکه در آن روز به مدینه رسیدند. [۱۰] به هر روی، زیارت اربعین از زیارت‌های مورد وثوق امام حسین (ع) است که از لحاظ معنا و مفهوم قابل توجه است.

3. بازگشت اسیران به مدینه یا کربلا

اشاره کردیم که شیخ طوسی، بیستم صفر یا اربعین راه زمان بازگشت اسرای کربلا از شام به مدینه دانسته است. باید افزود که نقلی دیگر، اربعین را بازگشت اسرا از شام را به «کربلا» تعیین کرده است. تا اینجا، از لحاظ منابع کهن، باید گفت اعتبار سخن نخست بیش از سخن دوم است. با این حال، علامه مجلسی پس از نقل هر دو این‌ها، اظهار می‌دارد: احتمال صحت هر دو این‌ها (به لحاظ زمانی) بعید می‌نماید. [۱۱] ایشان این تردید را در کتاب دعایی خود «زاد المعاد» هم عنوان کرده است. با این حال، در متون بالنسبه قدیمی، مانند «لهوف» و «مشیرالاحزان» آمده است که اربعین، مربوط به زمان بازگشت اسرا، از شام به کربلاست. اسیران، از راهنمایان خواستند تا آن‌ها را از کربلا عبور دهند.

باید توجه داشت که این دو کتاب، در عین حال که مطالب مفیدی دارند، از جهاتی، اخبار ضعیف و داستانی هم دارند که برای شناخت آن‌ها باید با متون کهن‌تر مقایسه شده و اخبار آن‌ها ارزیابی شود. این نکته را هم باید افزود که منابعی که پس از لهوف، به نقل از آن کتاب این خبر را نقل کرده‌اند، نباید به‌عنوان یک منبع مستند و مستقل، یاد شوند. کتاب‌هایی مانند «حبيب السیر» که به نقل از آن منابع خبر بازگشت اسرا را به کربلا آورده‌اند، [۱۲] نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند.

در اینجا مناسب است دو نقل را درباره تاریخ ورود اسرا به دمشق یاد کنیم. نخست نقل ابوریحان بیرونی است که نوشته است: در نخستین روز ماه صفر،

أدخل رأس الحسين (ع) مدینه دمشق، فوضعه یزید لعنه الله بین یدیه و نقر ثنایاه بقضیب کان فی یده و هو یقول:

لست من خندق ان لم أنتقم

من بنی أحمد، ما کان فَعَل

لَيْتَ أَشْيَاخِي بَبْدِرٍ شَهْدُوا

جَزَعُ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسْلِ

فَأَهْلُوا وَاسْتَهْلُوا فَرِحَا

ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تَشَلْ

قَدْ قَتَلْنَا الْقَرْنَ مِنْ أَشْيَاخِهِمْ

وَعَدَلْنَا بَبْدِرٍ، فَاعْتَدِلْ [۱۳]

وی روز اول ماه صفر را روزی می‌داند که سر امام حسین (ع) را وارد دمشق کرده و یزید هم در حالی که اشعار ابن زبیری را می‌خواند و بی‌تی هم بر آن افزوده بود، با چوبی که در دست داشت بر لبان امام حسین (ع) می‌زد.

دوم سخن عماد الدین طبری (م حوالی ۷۰۰) در «کامل بهائی» است که رسیدن اسرا به دمشق را در ۱۶ ربیع الاول دانسته - یعنی ۶۶ روز پس از عاشورا می‌داند که طبیعی‌تر می‌نماید.

4. میرزا حسین نوری و اربعین

علامه میرزا حسین نوری از علمای برجسته شیعه و صاحب کتاب «مستدرک الوسائل» در کتاب «لؤلؤ و مرجان در آداب اهل منبر» به نقد و ارزیابی برخی از روضه‌ها و نقل‌هایی پرداخته که به مرور در جامعه شیعه رواج یافته و به نظر وی از اساس، نادرست بوده است. ظاهراً وی در دوره اخیر نخستین کسی است که به نقد این روایت پرداخته و دلایل متعددی در نادرستی آن اقامه کرده است. ایشان این عبارت سید بن طاوس در لهوف را نقل کرده است که اسرا در بازگشت از شام، از راهنمای خود خواستند تا آن‌ها را به کربلا ببرد؛ و سپس به نقد آن پرداخته است. [۱۴]

داستان از این قرار است که سید بن طاوس در «لهوف» خبر بازگشت اسراء را به کربلا در اربعین نقل کرده است. در آنجا منبع این خبر نقل نشده و گفته می‌شود که وی در این کتاب مشهورات میان شیعه را که در مجالس سوگواری بوده، در آن مطرح کرده است. اما همین سید بن طاوس در «اقبال الاعمال» با اشاره به اینکه شیخ طوسی در مصباح می‌گوید اسرار روز اربعین از شام به سوی مدینه حرکت کردند و خبر نقل شده در غیر آنکه بازگشت آنان را در اربعین به کربلا دانسته‌اند، در هر دو مورد تردید می‌کند. تردید او از این ناحیه است که ابن زیاد مدتی اسراء را در کوفه نگه داشت. با توجه به این مطلب و زمانی که در این نگه داشته صرف شده و زمانی که در مسیر رفت به شام و اقامت یک ماهه در آنجا و بازگشت مورد نیاز است، بعید است که آنان در اربعین به مدینه یا کربلا رسیده باشند. ابن طاوس می‌گوید: اینکه اجازه بازگشت به کربلا به آن‌ها داده باشد، ممکن است، اما نمی‌توانسته در اربعین باشد. در خبر مربوط به بازگشت آنان به کربلا گفته شده است که همزمان با ورود جابر به کربلا بوده و با او برخورد کرده‌اند. ابن طاوس در اینکه جابر هم روز اربعین به کربلا رسیده باشد، تردید می‌کند. [۱۵]

این ممکن است که ابن طاوس لهوف را در جوانی و اقبال را در دوران بلوغ فکری تألیف کرده باشد. در عین حال ممکن است دلیل آن این باشد که آن کتاب را برای محافل روضه خوانی و این اثر را به عنوان یک اثر علمی نوشته باشد. دلیلی ندارد که ما تردیدهای او را در آمدن جابر به کربلا در روز اربعین بپذیریم. به نظر می‌رسد منطقی‌ترین چیزی که برای اعتبار اربعین در دست است همین زیارت جابر در نخستین اربعین به عنوان اولین زائر است.

اما درباره اعتبار اربعین به بازگشت اسرا به کربلا توجه به این نکته هم اهمیت دارد که شیخ مفید در کتاب مهم خود در باب زندگی امامان و در بخش خاص به امام حسین (ع) از کتاب «ارشاد» در خبر بازگشت اسرا، اصلاً اشاره‌ای به اینکه اسرا به عراق بازگشتند ندارد. همین طور ابومخنف راوی مهم شیعه هم اشاره‌ای در مقتل الحسین خود به این مطلب ندارد. در منابع کهن تاریخ کربلا هم مانند انساب الاشراف، اخبار الطوال و طبقات الکبری اثری از این خبر دیده نمی‌شود.

روشن است که حذف عمدی آن معنا ندارد؛ زیرا برای چنین حذف و تحریفی، دلیلی وجود ندارد.

خبر زیارت جابر، در کتاب بشاره المصطفی آمده، اما به ملاقات وی با اسرا اشاره نشده است.

مرحوم حاج شیخ عباس قمی هم، به تبع استاد خود نوری، داستان آمدن اسرای کربلا را در اربعین از شام به کربلا نادرست دانسته است. [۱۶] در دهه‌های اخیر مرحوم محمد ابراهیم آیتی هم در کتاب بررسی تاریخ عاشورا بازگشت اسرا را به کربلا انکار کرده است. [۱۷] همین طور آقای مطهری که متأثر از مرحوم آیتی است؛ اما این جماعت یک مخالف جدی دارند که شهید قاضی طباطبائی است.

5. شهید قاضی طباطبائی و اربعین

شهید محراب مرحوم حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی رحمه الله علیه، کتاب مفصلی با نام «تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سید الشهداء» درباره اربعین نوشت که اخیراً هم به شکل تازه و زیبایی چاپ شده است.

هدف ایشان از نگارش این اثر آن بود تا ثابت کند، آمدن اسرای از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. این کتاب که ضمن نه صد صفحه چاپ شده، مشتمل بر تحقیقات حاشیه‌ای فراوانی درباره کربلاست که بسیار مفید و جالب است؛ اما به نظر می‌رسد در اثبات نکته مورد نظر با همه زحمتی که مؤلف محترم کشیده، چندان موفق نبوده است.

ایشان درباره این اشکال که امکان ندارد اسرا ظرف چهل روز از کربلا به کوفه، از آنجا به شام و سپس از شام به کربلا بازگشته باشند، هفده نمونه از مسافرت‌ها و مسیرها و زمان‌هایی که برای این راه در تاریخ آمده را به تفصیل نقل کرده‌اند. در این نمونه‌ها آمده است که مسیر کوفه تا شام و به عکس از یک هفته تا ده دوازده روز طی می‌شده و بنابراین، ممکن است که در یک چهل روز، چنین مسیر رفت و برگشتی طی شده باشد. اگر این سخن بیرونی هم درست باشد که سر امام حسین (ع) روز اول صفر وارد دمشق شده، می‌توان اظهار کرد که بیست روز بعد، اسرا می‌توانستند در کربلا باشند.

باید به اجمال گفت: بر فرض که طی این مسیر برای یک کاروان، در چنین زمان کوتاهی، با آن همه زن و بچه ممکن باشد، باید توجه داشت که آیا اصل این خبر در کتاب‌های معتبر تاریخ آمده است یا نه. تا آنجا که می‌دانیم، نقل این خبر در منابع تاریخی، از قرن هفتم

به آن سوی تجاوز نمی‌کند. به علاوه، علمای بزرگ شیعه، مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، نه تنها به آن اشاره نکرده‌اند، بلکه به عکس آن تصریح کرده و نوشته‌اند: روز اربعین روزی است که حرم امام حسین (ع) وارد مدینه شده یا از شام به سوی مدینه خارج شده است. آنچه می‌ماند این است که نخستین زیارت امام حسین (ع) در نخستین اربعین، توسط جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است و از آن پس ائمه اطهار (ع) که از هر فرصتی برای رواج زیارت امام حسین (ع) بهره می‌گرفتند، آن روز را که نخستین زیارت در آن انجام شده، به عنوان روزی که زیارت امام حسین (ع) در آن مستحب است، اعلام فرمودند.

متن زیارت اربعین هم از سوی حضرت صادق (ع) انشاء شده و با داشتن آن مضامین عالی، شیعیان را از زیارت آن حضرت در این روز برخوردار می‌کند.

اهمیت خواندن زیارت اربعین تا جایی است که از علائم شیعه دانسته شده است، درست آن گونه که بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم در نماز و خواندن پنجاه و یک رکعت نماز در شبانه روز در روایات بیشماری، از علائم شیعه بودن عنوان شده است. زیارت اربعین در «مصباح المتعبد» شیخ طوسی و نیز «تهذیب الاحکام» وی به نقل از صفوان بن مهران جمال آمده است. وی گفت که مولایم صادق (ع) فرمود: زیارت اربعین که باید وقت برآمدن روز خوانده شود چنین است... [۱۸].

این زیارت، به جهاتی مشابه برخی از زیارت دیگر است، اما از آن روی که مشتمل بر برخی از تعابیر جالب در زمینه هدف امام حسین از این قیام است، دارای اهمیت ویژه است. در بخشی از این زیارت درباره هدف امام حسین (ع) از این نهضت آمده است: «... و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله و حیره الضلاله... و قد توازر علیه من غرته الدنيا و باع حظّه بالارذل الادنی».

خدایا، امام حسین (ع) همه چیزش را برای نجات بندگانت از نابرداری و سرگشتگی و ضلالت در راه تو داده در حالی که مشتی فریب خورده که انسانیت خود را به دنیای پست فروخته‌اند بر ضد وی شوریده آن حضرت را به شهادت رساندند.

دو نکته کوتاه:

نخست آنکه برخی از روایاتی که در باب زیارت امام حسین (ع) در کتاب کامل الزیارات ابن قولویه آمده، گریه چهل روزه آسمان و زمین و خورشید و ملائکه را بر امام حسین (ع) یادآور شده است. [۱۹]

دوم اینکه ابن طاوس یک اشکال تاریخی هم نسبت به اربعین بودن روز بیستم صفر مطرح کرده و آن اینکه اگر امام حسین (ع) روز دهم محرم به شهادت رسیده باشد، اربعین آن حضرت نوزدهم صفر می‌شود نه بیستم. در پاسخ گفته شده است، به احتمال ماه محرمی که در دهم آن امام حسین (ع) به شهادت رسیده، بیست و نه روز بوده است. اگر ماه کامل بوده، باید گفت که روز شهادت را به شمارش نیاورده‌اند. [۲۰]

رسول جعفریان

پژوهشگر و استاد دانشگاه

منابع:

- [1] مجموعه ورام، ص ۳۵
- [2] مستدرک وسائل ج ۹، ص ۳۲۹
- [3] مستدرک ج ۵، ص ۲۳۹
- [4] الاحتجاج، ص ۸۴
- [5] بحار ج ۵۳، ص ۲۰۰
- [6] مستدرک وسائل، ج ۵، ص ۲۱۷
- [7] مصباح المتهجد، ص ۷۸۷
- [8] نزهه الزاهد، ص ۲۴۱
- [9] الفتوح ابن اعثم، تصحيح مجد طباطبائی، ص ۹۱۶
- [10] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۴
- [11] بحار ج ۱۰۱، ص ۳۳۴ - ۳۳۵
- [12] نفس المهموم ترجمه شعرانی، ص ۲۶۹
- [13] الاثار الباقیه، ص ۴۲۲
- [14] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۵۲
- [15] اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱
- [16] منتهی الامال، ج ۱، صص ۸۱۷ - ۸۱۸
- [17] بررسی تاریخ عاشورا، صص ۱۴۸ - ۱۴۹
- [18] مصباح المتهجد، ص ۷۸۸، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۱، مزار شهیدی، ص ۵۱۴ (تحقیق قیومی)، مزار شهید اول (تحقیق مدرسه الامام المهدي، قم ۱۴۱۰)، ص ۱۸۵ - ۱۸۶
- [19] اربعین شهید قاضی، ص ۳۸۶ ش
- [۲۰] بحار الانورا، ج ۹۸، ص ۳۳۵